



چرا به امام سجاد(ع) «ابن الخیرتین» می گویند/ آخرین وصیت حضرت زین العابدین(ع)

بنا به روایتی از امام محمد باقر(ع)، علی بن الحسین (ع) را از آن رو «ابن الخیرتین» (فرزند دو سلسله برگزیده) می گویند که پدر گرامی شان امام حسین(ع) از برگزیده عرب یعنی هاشم و مادر بزرگوارش شهربانو برگزیده غیرعرب یعنی از فارس است.

بنا به روایتی از امام محمد باقر(ع)، علی بن الحسین (ع) را از آن رو «ابن الخیرتین» (فرزند دو سلسله برگزیده) می گویند که پدر گرامی شان امام حسین(ع) از برگزیده عرب یعنی هاشم و مادر بزرگوارش شهربانو برگزیده غیرعرب یعنی از فارس است. حضرت علی بن حسین(ع) ملقب به «زین العابدین» و «سید السجّادین» در پنجم شعبان سال 38 هجری در مدینه به دنیا آمد. مادر گرامی ایشان شهربانو دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) است. در مورد شهربانو مطالب گوناگونی گفته شده است اما در الکافی به نقل از جابر و او از امام باقر(ع) آمده که حضرت فرمود: «هنگامی که دختر یزدگرد را بر غمّ، وارد کردند، دوشیزگان مدینه برای تماشایش آمدند و مسجد [پیامبر(ص)] از نور ورودش روشن شد. چون عمر بر او نگریست، [آن بانو] صورت خود را پوشاند و گفت: اف به روزگار هرمز باد! عمر گفت: آیا به من دشنام می دهد؟ و قصد [تنبیه] او را کرد. امیرمؤمنان، علی(ع) به او فرمود: تو چنین حقی نداری. او را در گزینش مردی از مسلمانان، آزاد بگذار و او را سهم غنیمی همان مردی قرار ده که برگزیده است. آن دختر آمد تا دستش را بر سر حسین(ع) گذاشت. امیرمؤمنان، علی(ع) به او فرمود: نام تو چیست؟ گفت: جهان‌شاه. امیر مؤمنان(ع) به او فرمود: بلکه شهربانو. سپس به حسین(ع) فرمود: ای ابو عبدالله! همانا او برایت بهترین زمینیان را به دنیا می آورد. او علی بن الحسین (امام زین العابدین(ع)) را به دنیا آورد. از این رو به علی بن الحسین(ع) فرزند دو سلسله برگزیده می گفتند: برگزیده عرب، هاشم و برگزیده غیر عرب، فارس».

امام سجاد (ع) چهارمین امام شیعه در سال ۳۸ قمری متولد شد و دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی (ع) و پدر خود حسین بن علی (ع) سپری کرد. در کربلا حاضر شد، اما به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند. پس از آن قریب 34 سال (تا سال ۹۴ قمری) رهبری شیعیان را بر عهده داشت. این دوره، دوره ای سخت بود و شیعیان به شدت تحت فشار امویان قرار داشتند. آن حضرت از راه های گوناگون توانست شیعیان خالص را در اطراف خویش گرد آورد و راه را برای فرزندش امام باقر (ع) باز کند. از مهم ترین یادگارهای امام سجاد (ع) دعا‌های آن حضرت است که مشحون از مفاهیم عالی اخلاقی و عبادی و سیاسی است. مجموعه این دعاها به صورت کتاب بسیار نفیسی به نام «صحیفه کامله سجّادیه» درآمده است. و رساله ای هم از آن حضرت به جا مانده که به نام «رساله حقوق» معروف است.

ابوالحسن و ابومحمد از کنیه های مشهور امام سجاد(ع) است و القاب مشهوره آن حضرت : زین العابدین و سیدالساجدین و العابدین و زکی و امین و سجّاد و ذوالثغفات و نقش نگین آن جناب به روایت حضرت صادق(ع) «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ» بوده و به روایت امام محمد باقر(ع) «الْعِزَّةُ لِلَّهِ» و به روایت حضرت ابوالحسن موسی کاظم(ع)، «حَزَى وَ شَقَى قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام)» بوده است.

سیره اخلاقی امام سجاد (ع)

پیشوای چهارم، انسانی کامل و برگزیده حق و در همه جهات اخلاقی، عبادی و علمی به اوج کمال رسیده و نمونه مجسم و عینی قرآن و رسول خدا(ص) بود. در دوران سیاه حکومت اموی که ارزشهای انسانی و فضائل اخلاقی به فراموشی سپرده شده و مردم به جای مشاهده زهد، ساده زیستی، تواضع، نوع دوستی، نرم خویی و رعیت پروری از زمامداران خود به عنوان خلیفه پیامبر(ص)، شاهد دنیا طلبی، اشرافیت، تجمل گرایی، خود محوری و بزرگ بینی آنان بودند، آن امام همام، چون خورشیدی فروزنده درخشید و وجودش مجمع همه فضائل و ارزشهای فراموش شده گشت؛ چندانکه دوست و دشمن را به تحسین واداشت.

محمد بن طلحه شافعی می نویسد: او، زینت عبادت کنندگان، پیشوای زاهدان، سرور پرهیزکاران و امام مؤمنان است، سیره اش گواه آن است که وی فرزند صالح رسول خدا(ص) و سیمایش بیانگر مقام قرب او نزد پروردگار است...

امام باقر(ع) در مورد علت ملقب شدن پدر بزرگوارش به لقب (سجاد) می فرماید: او را سجاد نامیدند، چون: هیچگاه نعمتی را به یاد نمی آورد مگر آن که سجده می کرد؛ هیچ وقت آیه ای از قرآن را که سجده (واجب یا مستحب) داشت نمی خواند مگر آن که سجده می کرد؛ خداوند هیچگاه بدی و ناگواری را از او دفع نکرد مگر آن که سجده کرد، هیچ زمان از نماز واجب فارغ نشد مگر آن که سجده کرد، هیچگاه بین دو نفر را اصلاح نکرد مگر آن که سجده کرد، (بر اثر فزونی این سجده ها) آثار سجده در تمامی مواضع سجود آن حضرت نمایان بود.

بخشش به نیازمندان و رسیدگی به مشکلات آنان، خصلت فراگیر همه امامان معصوم علیهم السلام بود که در زندگی هر یک از آن بزرگواران نمونه های فراوانی به چشم می خورد. اما درباره این ویژگی امام سجاد(ع) روایات دینی و تاریخی متعددی به دست ما رسیده است. به گونه ای که ایشان زندگی تعداد زیادی از خانواده های مستمند را تأمین می کرد. و هر شب با انبانی انباشته از نان و خرما و ... به طور ناشناس به خانه های آنان می رفت. تا وقتی که آن حضرت زنده بود کسی نفهمید که نیازهای آنان را چه کسی تأمین می کند. پس از شهادت آن حضرت دریافتند که آن فرد ناشناس علی بن حسین(ع)

بوده است.

پیشوای چهارم هیچ غذایی نمی خورد مگر آن که همانند آن را صدقه می داد و می فرمود: هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر آنکه از آنچه دوست می دارید (در راه خدا) انفاق کنید. روش امام زین العابدین (ع) در انفاق و صدقه دادن این بود که قبل از آنکه صدقه را به نیازمند بدهد آن را می بوسید. وقتی از علت آن سؤال شد، فرمود: من دست سؤال کننده را نمی بوسم، بلکه دست پروردگارم را بوسه می زنم. صدقه پیش از آن که به دست نیازمند برسد به دست پروردگارم می رسد. روش دیگر آن گرامی در صدقه، سری انجام دادن آن بود. آن بزرگوار در این باره می فرمود: صدقه پنهانی، (آتش) خشم پروردگار را خاموش می کند.

شجاعت امام سجاد(ع) و سخنان و خطابه های ایشان در برابر امویان و مروانیان

حضرت زین العابدین(ع) همچون سایر امامان علیهم السلام، شجاع، دلیر و ظلم ستیز بود. موضع سخت و سخنان کوبنده آن حضرت در برابر ستمگران خودکامه ای همچون عبیدالله، یزید و عبدالملک بهترین گواه قوت روحی و شجاعت آن بزرگوار در جریان های بعد از واقعه کربلا و دوران امامت آن امام همام است. در برابر عبیدالله که آن حضرت را تهدید به قتل کرده بود فرمود: آیا مرا به کشتن تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی که کشته شدن (در راه خدا) روش ما و شهادت، کرامت ماست؟

در برابر یزید فرمود: ای پسر معاویه و هند و صخر! تو می دانی که جدّم علی بن ابی طالب (ع) در روز بدر، احد و احزاب پرچمدار اسلام بود؛ ولی پدر و جد تو پرچمدار کافران بودند. حضرت سیدالساجدین(ع) در برابر عبدالملک که آن حضرت را احضار کرده و گفته بود: من که قاتل پدر شما نیستم، پس چرا با ما رفت و آمد نمی کنید؟ امام فرمود: قاتل پدرم هر چند به زندگی دنیوی او خاتمه داد؛ لیکن آخرت خویش را با این جنایت، تباه ساخت؛ اگر تو هم دوست داری مانند او باشی باش! و نیز هنگامی که امام سجاد(ع) را در ماجرای کربلا، به صورت اسیر، همراه بازماندگان شهدای کربلا به شام، نزد یزید بن معاویه بردند، آن حضرت را در برابر یزید نگهداشتند. یزید(مغرور برای نیکو جلوه دادن کار خود به یک توجیه مزورانه مذهبی پرداخت، آیه ای از قرآن خواند، و علت مصائبی که خاندان رسالت به آن دچار شده اند را، عمل خود آنها دانست و گفت): خداوند می فرماید: (و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم: هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده اید). (شوری/ 30)

امام سجاد(ع) بی درنگ در پاسخ فرمود: این در شأن ما نیست، بلکه در شأن ما این آیه (22 حدید) است: ما اصاب من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ذلک علی الله یسیر) هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد، مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خداوند آسان می باشد (حدید/22)، بنابراین مصیبت ما، از مصائب مورد قبول ما، برای تقویت دین است و دستورش در لوح محفوظ الهی آمده است نه اینکه اعمال نامناسب ما باشد.

اتخاذ چنین موضع قاطع و بیان چنین سخنان عتاب آمیز در برابر این حاکمان قلدر و مستبد، در کاخ و محل حکومت آنان، شجاعتی فوق تصور می طلبد. به علاوه خطبه آتشین آن حضرت در کاخ یزید که به افشاگری جنایت ها و ظلم و فساد دستگاه بنی امیه و خصوصاً یزید انجامید نیز نشان از اوج قدرت روحی و شجاعت آن حضرت دارد.

سیره اخلاقی و فضایل و کرامات اهل بیت(ع) کامل ترین و بی بدیل ترین سیره و فضایل اخلاقی است و منحصر به یک دوره یا مرحله ای از زندگی پربار ایشان نمی شود و در لحظه لحظه زندگی ایشان ساری و جاری است. اما این روحیات و کمالات بسته به شرایط زمانی و مکانی و در برابر افراد و جریانها متفاوت است. گاهی در برابر مستضعفان و محرومان و ضعفای جامعه ... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ، وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ اند و انفاق و محبت و گذشت از سرتاسر وجودشان لبریز می شود، و گاهی نیز در برابر مستکبران و ظالمان و حاکمان جور و ستم، شجاع ترین، دلیرترین و محکم ترین انسانها برای ستاندن حق مظلوم از ظالم اند.

مناجات انجیلیه امام سجاد (ع)

به دلیل فضای خفقانی که پس از واقعه عاشورا در بلاد اسلامی به ویژه مدینه حاکم بود، امام سجاد(ع) از طریق دعا به نشر معارف قرآن و فرهنگ اسلامی پرداخت که مهمترین آن «صحیفه سجادیه» مشتمل بر 54 دعاست که دعای بیستم آن دعای «مکارم الاخلاق» و دعای «چهل و هفتم» دعای عرفه از ادعیه مشهور در بین عموم می باشد. صحیفه سجادیه در ضمن دعا، معارف اسلام، سیاست اسلام، اخلاق اسلام، اجتماعیات اسلام، حقانیت شیعه، حقانیت اهل بیت(ع)، انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و حقیقت، و بالاخره یک دوره معارف اسلامی را آموزش می دهد. صحیفه ای که محققین، اسم آن را اخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نهاده اند.

علاوه بر رساله حقوق و صحیفه سجادیه که از امام چهارم به دست ما رسیده است؛ حضرت مناجاتی دارند مشهور به «مناجات انجیلیه» که در برخی از کتب امامیه از جمله در کتاب الصحیفة الثالثة السجادیة تالیف علامه میرزا عبدالله اصفهانی نقل شده است که درباره این مناجات می گوید: «مناجات انجیلیه مفصل ترین مناجاتی است که از امام سجاد (ع) نقل شده و من آن را در کتابی از مولفات قدام امامیه (رضوان الله علیهم اجمعین) دیده ام. این دعا معروف به انجیلیه است و وجه تسمیه آن این است که فقرات این دعا شبیه اکثر فقرات و مواظ انجیل است که بر حضرت عیسی(ع) نازل شده و نه انجیلی که هم اکنون بین نصاری است.

گفتنی است که مضامین عالی این مناجات و سبک و سیاق عبارات آن خود قوی ترین دلیل بر صحت صدور آن از لسان معصوم است و حتی اگر سند آن ضعیف هم باشد خود این مضامین بر صحت صدور آن از معصوم کفایت می کند. وانگهی برخی از متاخرین و متقدمین علما این مناجات را در کتابهای خود نقل کرده اند از جمله صاحب انیس العابدین، همچنین المولی الجلیل مولانا محسن الکاشانی معاصر (قدس سره) آن را در کتاب ذریعة الضراعة نقل کرده است....».

«مناسک حج» نیز یکی دیگر از کتب آن حضرت است که فرزندان آن حضرت این کتاب را نقل کرده اند. از دیگر آثار گرانبساز آن حضرت که جامع آداب سلوک فردی و اجتماعی است و محور شرح و بسط زیادی قرار گرفته است، رساله حقوق آن حضرت است. عنوان یکی دیگر از آثار آن حضرت، «الجامع فی الفقه» است که ابوحمزه ثمالی آن را نقل کرده است. کتاب دیگری که توسط ابوحمزه ثمالی نقل شده است «صحیفة الزهد» نام دارد. همچنین «کتاب حدی» توسط داود بن عیسی از آن حضرت نقل شده است.

شهادت امام سجاد(ع) / وصیت آن حضرت بر امام باقر(ع)

امام سجاد (ع) در سال ۹۴ ق. به تحریک ولید بن عبد الملک مسموم گردید و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی(ع) در بقیع مدفون شد. شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق(ع) روایت کرده که حضرت علی بن الحسین(ع) را در وقت وفات 57 سال بود، و وفات آن حضرت در سال 95 واقع شد. و بعد از امام حسین (ع) 35 سال زندگانی کرد.

شیخ ثقه جلیل علی بن محمد خزاز قمی در کتاب کفایة الأثر از عثمان بن خالد روایت کرده که گفت: مریض شد حضرت علی بن الحسین علیه السلام همان مرضی که در آن وفات فرمود، پس جمع کرد اولاد خود محمد و حسن و عبد الله و عمر و زید و حسین را، و در میان همه، فرزندش محمد بن علی علیه السلام را وصی قرار داد، و نامید او را به باقر و امر سایر فرزندان خود را به آن جناب واگذار فرمود. و از جمله مواعظی که در وصیت خود به آن حضرت فرمود این بود: یا بنی، انّ العقل رائد الروح، و العلم رائد العقل (الی ان قال) و اعلم انّ الساعات یذهب عمرک، و ائک لا تنال نعمة الا بفراق اخری. فإیّاک و الامل الطویل، فکم من مؤمل املا لا یبلغه، و جامع مال لا یأکله الخ.

فرمود: بدان که ساعتها بر تو می گذرد و عمر تو را می برد، و تو نمی رسی به نعمتی مگر بعد از مفارقت نعمت دیگر. پس بپرهیز از آرزوی دراز چه بسیار آرزومندان بودند که به آرزوی خود نرسیدند و چه بسیار کسان که جمع کردند مالی را و آن را نخوردند، و منع کردند مردم را از چیزی که زود آن را بگذاشتند و بگذشتند و شاید آن مال را از راه باطل فراهم آورده و از حقش منع کرده، به حرام آن را دریافته و ارث گذاشته و وزر و وبال و سنگینی و اثقال آن را بر دوش خود برداشته. این است زبان روشن و خسران مبین.

و نیز از زهری روایت کرده که گفت در آن مرض که علی بن الحسین علیه السلام وفات فرمود خدمتش رسیدم... پس از آن پسرش محمد علیه السلام بر آن حضرت وارد شد، آن حضرت مدتی دراز با وی راز فرمود و شنیدم که در جمله کلمات خویش می فرمود: عليك بحسن الخلق، بر تو باد نیکویی خلق و خوی. عرض کردم: یا بن رسول الله! اگر امر و قضای خدا که ما را به جمله در خواهد یافت فرا رسد بعد از تو به نزد کدام کس برویم؟ و مرا در دل افتاده بود که آن حضرت از موت خود خبر می دهد.

فرمود: ای ابو عبدالله! به سوی این پسر و اشاره به فرزندش محمد علیه السلام کرد و فرمود: همانا او است وصی من وارث من و صندوق علم من، معدن علم و باقر علم است. عرض کردم: یا بن رسول الله! معنی باقر العلم چیست؟ فرمود: زود است که شیعیان خالص من به خدمتش مراده کنند و برای ایشان بشکافد علم را شکافتنی. زهری می گوید: پس از این جناب محمد باقر(علیه السلام) را برای حاجتی به بازار فرستاد. چون برگشت عرض کردم: یا بن رسول الله! از چه روی با اکبر اولاد خود وصیت نمودی؟

فرمود: امامت به کوچکی و بزرگی نیست، رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) این گونه با ما عهد نهاده و در لوح و صحیفه به این گونه نوشته یافتیم که: دوازده تن می باشند، نوشته شده بود امامت ایشان و نامهای پدران و مادران ایشان. آن گاه فرمود: از صلب پسر محمد هفت تن از اوصیاء بیرون می آیند که مهدی- صلوات الله علیهم از جمله ایشان است.

شیخ کلینی از حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: چون پدرم را وقت وفات رسید، مرا به سینه خود چسبانید و فرمود: ای فرزند گرامی! تو را وصیت می کنم. با آن چه وصیت کرد مرا پدرم در هنگام شهادت خود و گفت که پدرش او را وصیت کرده بود به این وصیت در وقت وفات خود که: زنهار ستم مکن بر کسی که یآوری بر تو به غیر از خدا نداشته باشد.

و نیز امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که پدرم لحظات آخر عمر را می پیمود، مرا به سینه اش چسبانید و فرمود: (پسر جان! تو را به همان چیزی که پدرم (امام حسین علیه السلام) هنگام شهادت به آن وصیت کرد، سفارش می کنم و آن اینکه: «یا بنی اصبر علی الحق وان کان مرا» ای پسر جان! در راه حق، استقامت کن، گرچه تلخ باشد).

و در بحار از بصائر الدرجات نقل کرده که چون آن حضرت را حالت موت رسید، رو کرد به اولاد خود که در نزدش جمع بودند و از میانه توجه فرمود به پسرش حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: ای محمد! این صندوق را ببر به منزل خود، پس فرمود معلوم باشد که در این صندوق دینار و درهمی نیست لیکن مملو از علم است.

و در روایت دیگر است که آن صندوق را چهار نفر حمل کردند و مملو بود از کتب و سلاح رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم). در روایتی از امام باقر (ع) چنین آمده است: هنگامی که وقت شهادت امام حسین (ع)، فرا رسید، دختر بزرگش بنام فاطمه (س) را به حضور طلبید و نوشته ای پیچیده و وصیتی آشکار را به او سپرد، زیرا علی بن الحسین امام سجاد (ع) در آن وقت به سخنی بیمار بود، به گونه ای که گویا در حال احتضار است. فاطمه (س) آن وصیتنامه را گرفت و بعداً آنرا به برادرش علی بن الحسین (ع) داد. امام باقر (ع) پس از نقل ماجرای فوق فرمود: سوگند به خدا، آن وصیتنامه و طومار پیچیده به ما رسید. یکی از حاضران پرسید: فدایت گردم، در آن طومار، چه نوشته شده بود؟ امام باقر فرمود: سوگند به خدا، آنچه از زمان آدم (ع) تا پایان دنیا، مورد نیاز انسانهاست در آن وجود دارد و به خدا احکام حدود و مجازاتهای مرتکبین جرائم، حتی جریمه خراش، در آن، ثبت است.